یادداشت

بحران حزب کارگر و افول جایگاه بریتانیا در جهان پسابرگزیت

محسن شریف‌خدائی
تحلیلگر روابط بین‌الملل

سیاست بریتانیا در سال‌های اخیر به صحنه‌ای از آشفتگی، بی‌ثباتی و بحران‌های پی‌درپی تبدیل شده است؛ از تغییرات مداوم در رهبری دولت‌های پیشین محافظه‌کار گرفته تا پیامدهای اقتصادی و ژئوپلیتیکی برگزیت، جنگ اوکراین و بحران انرژی. در چنین فضایی، حزب کارگر به رهبری کی‌یر استارمر، توانست با شعار «ثبات، پایان آشوب و تغییر واقعی» در انتخابات ۲۰۲۴ پیروزی مهمی کسب کرده و امیدهایی برای بازگشت آرامش به سیاست بریتانیا ایجاد کند. اما این امیدها خیلی زود رنگ باخت و دولت جدید با همان بحران‌هایی مواجه شد که وعده مهار آنها را داده بود. امروز دولت کارگر نه‌تنها با کاهش محبوبیت و نارضایتی عمومی روبه‌رو است، بلکه در درون حزب نیز با شکاف‌ها و اختلافات جدی مواجه شده است. بخشی از نمایندگان حزب معتقدند دولت نتوانسته بحران هزینه‌های زندگی، ضعف خدمات عمومی، مشکلات نظام درمانی و فشارهای اقتصادی را کنترل کند. منتقدان، استارمر نخست‌وزیر بریتانیا را سیاست‌مداری بیش از حد محتاط، تکنوکرات و فاقد قدرت بسیج اجتماعی لازم برای عبور از بحران‌های بزرگ می‌دانند. اختلاف بر سر کاهش برخی هزینه‌های رفاهی و سیاست‌های مالی نیز شکاف میان جناح‌های مختلف حزب را عمیق‌تر کرده است. هرچند هنوز جایگزین مشخصی برای رهبری حزب وجود ندارد، اما تلاش‌ها برای تضعیف موقعیت سیاسی او به‌تدریج افزایش یافته است. در پس این بحران داخلی، مسئله بزرگ‌تر، پیامدهای عمیق برگزیت است. خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا قرار بود استقلال اقتصادی و سیاسی بیشتری برای لندن به همراه آورد و امکان انعقاد توافق‌های تجاری بهتر با آمریکا و سایر کشورها را فراهم کند. اما بسیاری از این وعده‌ها هرگز محقق نشد. اقتصاد بریتانیا با کاهش رشد، مشکلات تجاری، کمبود نیروی کار و فشارهای تورمی روبه‌رو شد و کشور بخشی از نفوذ سنتی خود در اروپا را از دست داد. در حالی که اروپا پس از جنگ اوکراین به سمت «استقلال راهبردی» و ایفای نقشی مستقل‌تر در امنیت و سیاست جهانی پیش می‌رود، بریتانیا به دلیل خروج از اتحادیه اروپا از مرکز تصمیم‌گیری‌های مهم قاره فاصله گرفته است.

جنگ اوکراین نیز فشارهای اقتصادی و امنیتی جدیدی بر اروپا و بریتانیا تحمیل کرد. افزایش هزینه‌های نظامی، بحران انرژی و رکود اقتصادی، دولت کارگری را در موقعیتی دشوار قرار داد. در ادامه، تنش‌های خاورمیانه و اختلال در مسیرهای حیاتی انرژی، به‌ویژه تنگه هرمز، موجب افزایش شدید قیمت انرژی و فشار مضاعف بر خانوارها و صنایع بریتانیا شد. دولت نتوانست افکار عمومی را قانع کند که برنامه‌ای مؤثر برای محافظت از اقتصاد کشور در برابر این شوک‌های جهانی دارد و همین مسئله به کاهش سریع محبوبیت آن انجامید. در سطح بین‌المللی نیز جایگاه بریتانیا نسبت به گذشته به‌طور محسوسی تضعیف شده است. لندن که زمانی یکی از بازیگران اصلی در شکل‌دهی سیاست‌های جهانی محسوب می‌شد، اکنون در بسیاری از معادلات کلان بین‌المللی نقشی محدودتر دارد. خروج از اتحادیه اروپا موجب شد بریتانیا از بخشی از مذاکرات مهم جهانی کنار گذاشته شود و نفوذ سیاسی آن کاهش یابد. حتی روابط ویژه تاریخی با آمریکا دیگر تضمین‌کننده امتیازات گذشته نیست؛ به‌ویژه آنکه دولت ترامپ نشان داده واشینگتن بیش از گذشته بر منافع مستقیم خود تمرکز دارد و تمایل کمتری به حمایت خاص از متحدان اروپایی نشان می‌دهد. در داخل بریتانیا نیز فضای سیاسی به‌سرعت در حال تغییر است. حزب اصلاح بریتانیا به رهبری نایجل فاراژ توانسته با تمرکز بر مهاجرت، هویت ملی و شعارهای ضد نخبگانی و پوپولیستی، بخشی از رأی‌دهندگان سنتی حزب کارگر را جذب کند و بار دیگر موضوع برگزیت و حاکمیت ملی را به محور بحث‌های سیاسی تبدیل کند. هم‌زمان، حزب سبز انگلستان و ولز نیز با تمرکز بر محیط زیست، عدالت اجتماعی و خدمات شهری، به‌ویژه در میان نسل جوان، جایگاه خود را تقویت کرده است. نتایج اخیر انتخابات شوراها و شهرداری‌ها نشان داد که حزب کارگر بخشی از پایگاه اجتماعی خود را از دست داده و فضای سیاسی کشور به سمت چندقطبی‌شدن پیش می‌رود.

بحران کنونی حزب کارگر صرفا یک ناکامی انتخاباتی یا مدیریتی نیست، بلکه بازتاب بحران عمیق‌تری در هویت سیاسی و جایگاه بین‌المللی بریتانیاست. ترکیب ناکامی برگزیت، تحولات ژئوپلیتیکی پس از جنگ اوکراین، بحران انرژی، کاهش نفوذ جهانی و افزایش شکاف‌های اجتماعی و سیاسی داخلی، شرایطی ایجاد کرده که دولت کارگری خیلی زود با فرسایش مشروعیت و محبوبیت روبه‌رو شود. اکنون مسئله اصلی فقط آینده سیاسی استارمر نیست، بلکه پرسش بزرگ‌تر آن است که آیا بریتانیا پس از برگزیت هنوز می‌تواند جایگاهی مؤثر و مستقل در اروپا و نظام جهانی آینده داشته باشد یا به‌تدریج به قدرتی حاشیه‌ای در معادلات جهانی تبدیل خواهد شد.

خبر

مسعود پزشکیان: به تسلیم واداشتن ایران از طریق زور توهمی بیش نیست

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه ایران تمام راه‌های پرهیز از جنگ را آزموده است، گفت: به تسلیم واداشتن ایران از طریق زور، توهمی بیش نیست. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: ایران همواره بر تمام عهدهایش پایبند بوده و تمام راه‌های پرهیز از جنگ را هم آزموده. همه راه‌ها از طرف ایران باز است. به تسلیم واداشتن ایران از طریق زور توهمی بیش نیست. دیپلماسی مبتنی بر احترام متقابل، کم‌هزینه‌تر، عاقلانه‌تر و ماندگارتر از جنگ است که ایران سال‌ها بر آن تأکید دارد.

عبور ۳۵ فروند کشتی از تنگه هرمز

روابط‌عمومی نیروی دریایی سپاه از عبور ۳۵ فروند کشتی اعم از نفتکش، کانتینربر و سایر کشتی‌های تجاری پس از کسب مجوز با هماهنگی و تأمین امنیت نیروی دریایی سپاه از تنگه هرمز خبر داد. روابط‌عمومی نیروی دریایی سپاه اعلام کرد: طی شبانه‌روز گذشته ۳۵ فروند کشتی اعم از نفتکش، کانتینربر و سایر کشتی‌های تجاری پس از کسب مجوز با هماهنگی و تأمین امنیت نیروی دریایی سپاه از تنگه هرمز عبور کردند. نیروی دریایی سپاه همچنین تأکید کرد: شایان ذکر است علی‌رغم ناامنی ایجادشده در پی تجاوز ارتش تروریستی آمریکا در تنگه هرمز، نیروی دریایی سپاه یک آبراه ایمن برای کشتیرانی و استمرار تجارت جهانی ایجاد کرد.

معاون سیاسی وزیر کشور: تسلط خوبی در حوزه مرزها برقرار است

معاون سیاسی وزیر کشور از امنیت کامل در مرزهای کشور خبر داد. علی زینی‌وند، سخنگو و معاون سیاسی وزارت کشور، در گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی دولت درباره وضعیت مرزهای کشور اظهار کرد: در حوزه مرزها مشکل خاصی نداریم و الحمدلله تسلط خوبی برقرار است. وی افزود: ساختارهای لازم از قبل پیش‌بینی شده و قرارگاه‌های مربوطه نیز فعال هستند و در همه مرزها تسلط عالی وجود دارد. معاون سیاسی وزیر کشور ادامه داد: با کشورهای همسایه نیز تعامل بسیار خوبی داریم و در عمق خاک آنها و دیگر مناطق، تبادل و هماهنگی وجود دارد و در این حوزه‌ها نگرانی خاصی نداریم.

روایت «شرق» از تشدید میانجیگری پاکستانی‌ها و دیپلماسی مبهم تهران و واشینگتن

پیچ آخر یا آغاز راه؟

عکس: ایرنا

عبدالرحمن فتح‌الهی: آتش‌بس میان ایران و آمریکا در حالی وارد روز چهل‌وششم شده که طی سه روز گذشته، موجی از گزارش‌ها، ادعاها و روایت‌های رسانه‌ای از نزدیک‌شدن تهران و واشینگتن به یک تفاهم اولیه حکایت داشته است؛ تفاهمی که اگرچه هنوز هیچ مقام رسمی در تهران یا واشینگتن آن را تأیید نکرده، اما حجم تحرکات دیپلماتیک و امنیتی پیرامون آن، فضای منطقه را وارد مرحله‌ای تازه کرده است. از چهارشنبه هفته گذشته، ادعای شبکه العربیه درباره کار روی متن نهایی توافق و احتمال اعلام آن ظرف چند ساعت، عملا فضای رسانه‌ای را به سمت روایت «دیپلماسی سنگین» سوق داد؛ روایتی که ابتدا با گمانه‌زنی درباره سفر احتمالی ژنرال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان به تهران برای نهایی‌سازی تفاهم اولیه همراه شد و نهایتا عصر جمعه این سفر وارد مرحله‌ای جدی‌تر شد. به گزارش رسانه‌ها، عاصم منیر وارد تهران شد و مورد استقبال وزیر کشور قرار گرفت. البته تا لحظه تنظیم این گزارش هیچ خبر رسمی‌ای درباره انجام دیدارها و محور رایزنی‌های فیلد مارشال عاصم منیر با مقامات کشور منتشر نشده است. با این حال، با توجه به ماهیت حساس و چندلایه مأموریت اسلام‌آباد، بدیهی به نظر می‌رسد که فرمانده ارتش پاکستان در جریان سفر خود با چهره‌های اثرگذار و دخیل در روند مذاکرات، ازجمله محمدباقر قالیباف و عباس عراقچی، دیدار و گفت‌وگو داشته باشد. هم‌زمان گزارش‌هایی نیز درباره اعزام یک تیم مذاکره‌کننده قطری با هماهنگی آمریکا به تهران منتشر شد؛ تحرکی که نشان می‌دهد علاوه بر پاکستان، دوحه نیز به‌طور فعال وارد مدیریت کانال‌های ارتباطی میان تهران و واشینگتن شده است. در کنار این تحولات، دو سفر متوالی سیدمحسن نقوی، وزیر کشور پاکستان، به تهران طی یک هفته گذشته، بیش از پیش این برداشت را تقویت کرد که اسلام‌آباد در حال ایفای نقشی فراتر از یک میانجی سنتی بوده و اکنون با ورود مستقیم فرمانده ارتش پاکستان، میانجیگری این کشور ابعاد امنیتی و راهبردی پیدا کرده است. در چنین فضایی، اکنون همان‌گونه که فاکس‌نیوز از «خوش‌بینی محتاطانه» نسبت به روند تحولات سخن می‌گوید، می‌توان نشانه‌هایی از احتمال حرکت به سمت نوعی تفاهم موقت را مشاهده کرد؛ به‌ویژه آنکه هم‌زمانی سفرهای محسن نقوی، عاصم منیر، تحرکات قطر و افزایش رایزنی‌های منطقه‌ای، بیانگر تلاش هماهنگ برای جلوگیری از بازگشت جنگ است.

با این حال، همچنان باید نسبت به این معادلات با تردید نگریست؛ چراکه بخش مهمی از اخبار منتشرشده مبتنی بر روایت‌های رسانه‌ای و منابع غیررسمی است و تاکنون هیچ تأیید قطعی از سوی تهران درباره وجود متن نهایی یا نزدیک‌بودن توافق ارائه نشده است. تجربه هفته گذشته نیز نشان داد که گزارش‌ها درباره انعطاف آمریکا بر سر تحریم‌های نفتی ایران، خیلی زود با ابهام یا تکذیب مواجه شد. از همین رو، اگرچه تحرکات دیپلماتیک و امنیتی اخیر می‌تواند نشانه‌ای از فعال‌شدن جدی مسیر گفت‌وگو باشد، اما هنوز نمی‌توان با قطعیت درباره سرنوشت این تحولات سخن گفت و باید منتظر ماند که در نهایت این رفت‌وآمدها و کانال‌های میانجیگری، منطقه را به سمت تفاهم پایدار سوق خواهد داد یا بار دیگر در پیچ اختلافات متوقف می‌شود.

اسلام‌آباد در قلب میانجیگری؛ از حضور فرمانده ارتش پاکستان در تهران تا دو سفر وزیر کشور در یک هفته

تحولات چهارشنبه تا جمعه گذشته نشان داد که اسلام‌آباد بیش از هر زمان دیگری در مرکز روند میانجیگری میان تهران و واشینگتن قرار گرفته است؛ روندی که اگرچه تاکنون به توافق رسمی منجر نشده، اما حجم تحرکات سیاسی و امنیتی پیرامون آن به شکل محسوسی افزایش یافته است و نشان از نوعی فوریت معادلات برای پاکستان دارد. آغاز موج تازه اخبار از جایی بود که چهارشنبه گذشته و هم‌زمان با سفر دوم محسن نقوی، وزیر کشور پاکستان به تهران، منابع العربیه مدعی شدند کار برای نهایی‌سازی متن توافق میان ایران و آمریکا در جریان است و به دنبال آن عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان هم بعدازظهر جمعه راهی تهران شد. العربیه این خبر را هم افزود که رئیس سازمان اطلاعات پاکستان هم به ایران آمده است. این رسانه همچنین ادعا کرد دور تازه مذاکرات پس از پایان مناسک حج در اسلام‌آباد برگزار خواهد شد. العربیه در یک گام رو به جلو حتی ادعا کرد که توافق محتمل آمریکا و ایران احتمالا «بیانیه اسلام‌آباد» نام‌گذاری می‌شود. شبکه اسرائیلی کان نیز با اشاره به گزارش‌های رسانه‌های عربی اعلام کرد سفر عاصم منیر به ایران، به‌عنوان «قوی‌ترین مرد پاکستان»، می‌تواند نشانه‌ای از پیشرفت در مذاکرات باشد. این روایت در حالی مطرح شد که رسانه‌های پاکستانی نیز از «فوریت» در تحرکات اسلام‌آباد سخن می‌گفتند. کامران یوسف، خبرنگار اکسپرس‌تریبون نیز قبل‌تر گزارش داد که محسن نقوی برای دومین بار طی کمتر از یک هفته به تهران سفر کرده و پیش از آن، در کویته با شهباز شریف و فیلد مارشال عاصم منیر دیدار داشته است. به گفته او، این سفرها نشان می‌دهد پاکستان با شتاب در حال انتقال پیام‌ها میان تهران و واشینگتن است؛ به‌ویژه آنکه بنا بر برخی روایت‌ها، ترامپ خواهان پیشرفت سریع مذاکرات تا پایان هفته بوده است. سی‌بی‌اس هم خبر داد که دیدارهای وزیر کشور پاکستان در تهران باعث شده مذاکرات «در مسیری مهم» پیش برود.

در همین چارچوب، الجزیره نیز نوشت که شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، در آستانه سفر به چین قرار دارد و برداشت‌ها حاکی از آن است که اسلام‌آباد پیام‌هایی از سوی تهران را به پکن منتقل خواهد کرد. این گزارش تأکید می‌کند که پاکستان اکنون هم‌زمان با آمریکا، ایران، کشورهای منطقه و چین در حال تعامل است و تلاش می‌کند از بازگشت بحران نظامی جلوگیری کند. با این حال، هم‌زمان با اوج‌گرفتن گمانه‌ها درباره اهداف پشت پرده سفر عاصم منیر به تهران، برخی منابع نزدیک به مذاکرات تلاش کردند سطح انتظارات را کنترل کنند. العربی الجدید به نقل از منبعی نزدیک به مذاکرات ایران و آمریکا تأکید کرد سفر فرمانده ارتش پاکستان به تهران لزوما به معنای در دسترس بودن توافق نیست و بسیاری از گزارش‌ها درباره وجود پیش‌نویس نهایی توافق، صرفا گمانه‌زنی رسانه‌ای است. این منبع همچنین گفت که محسن نقوی، وزیر کشور پاکستان نیز در دو سفر هفته قبل خود پیام تازه‌ای از آمریکا به تهران منتقل نکرده و سفر مقام‌های پاکستانی بیشتر در راستای تقویت نقش میانجیگرانه اسلام‌آباد و جلوگیری از تشدید تنش‌ها انجام می‌شود. طبق همین روایت، تهران همچنان خواسته‌های آمریکا را «افراطی و غیرمنطقی» می‌داند و معتقد است مشکل اصلی در واشینگتن است، نه تهران. همین مسئله سبب شده با وجود افزایش تحرکات دیپلماتیک، هنوز فضای مذاکرات با تردید جدی همراه باشد. با این حال، آنچه اکنون روشن به نظر می‌رسد، این است که پاکستان از سطح یک میانجی صرفا سیاسی عبور کرده و با ورود مستقیم ارتش و شخص عاصم منیر، میانجیگری اسلام‌آباد وارد مرحله‌ای امنیتی-راهبردی شده است؛ مرحله‌ای که می‌تواند سرنوشت آتش‌بس شکننده میان تهران و واشینگتن را تحت تأثیر قرار دهد.

موازی‌کاری عربی و نگرانی از آغاز تنش

پرونده ایران و آمریکا با نقش‌آفرینی مستقیم قطری‌ها از عصر جمعه وارد مرحله‌ای پیچیده و چندلایه شده است که نشان می‌دهد در این میان، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس هم به موازات پاکستانی‌ها تلاش دارند مانع بازگشت جنگ شوند. در همین راستا رویترز خبر داد که قطر با هماهنگی ایالات متحده، یک تیم مذاکره‌کننده را روز جمعه راهی تهران کرده تا برای دستیابی به توافقی جهت پایان جنگ و حل مسائل باقی‌مانده تلاش کند. این اقدام در کنار سفر عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان به تهران، نشان می‌دهد کانال‌های میانجیگری منطقه‌ای اکنون وارد مرحله‌ای جدی‌تر شده‌اند و بازیگران مختلف تلاش می‌کنند از فروپاشی آتش‌بس جلوگیری کنند.

پیرو این تحرکات دوحه، انور قرقاش، مشاور رئیس امارات هم اعلام کرد که شانس دستیابی ایران و آمریکا به توافق درباره وضعیت تنگه هرمز «برابر» است و هشدار داد که هرگونه دور تازه درگیری، تنها منطقه را پیچیده‌تر خواهد کرد. هم‌زمان بلومبرگ گزارش داد که امارات، عربستان و قطر از دونالد ترامپ خواسته‌اند به‌جای بازگشت به اقدام نظامی، به دیپلماسی فرصت بیشتری بدهد؛ زیرا کشورهای خلیج فارس نگران هستند ازسرگیری جنگ، اقتصاد و ثبات منطقه را با بحران جدیدی روبه‌رو کند.

متن توافق، گره هرمز و اختلاف بر سر اورانیوم؛ روایت‌های متناقض از پیش‌نویس تفاهم

در کنار تکاپوهای دیپلماتیک پاکستان و کشورهای عربی، مهم‌ترین محور اخبار سه روز گذشته، انتشار جزئیات ادعایی از متن تفاهم احتمالی میان تهران و واشینگتن بود؛ متنی که العربیه ابتدا آن را منتشر، سپس تکذیب و دوباره روز جمعه بازنشر کرد. براساس روایت این رسانه، پیش‌نویس توافق شامل توقف کامل عملیات نظامی، توقف جنگ رسانه‌ای، تعهد به عدم حمله به زیرساخت‌های نظامی و اقتصادی، احترام به تمامیت ارضی کشورها و تشکیل کمیته مشترک برای نظارت بر اجرای توافق است. همچنین گفته شد مذاکرات درباره موضوعات حل‌نشده حداکثر ظرف هفت روز آغاز خواهد شد و لغو تدریجی تحریم‌های آمریکا نیز در برابر پایبندی ایران به توافق انجام می‌شود.

اما مهم‌ترین بخش این روایت، مسئله تنگه هرمز و برنامه هسته‌ای ایران بود؛ دو موضوعی که تقریبا در همه گزارش‌ها به‌عنوان گره اصلی مذاکرات معرفی شدند. العربیه مدعی شد آمریکا در موضوع هسته‌ای و تنگه هرمز حاضر به اعطای امتیاز نیست. هم‌زمان الجزیره به نقل از منابع پاکستانی گزارش داد که اصرار دو طرف بر بالابردن سقف خواسته‌ها درباره اورانیوم و هرمز، مذاکرات را به بن‌بست رسانده است؛ هرچند اسلام‌آباد همچنان به امکان دستیابی به یک توافق موقت خوش‌بین است. رویترز نیز به نقل از یک منبع ارشد ایرانی نوشت شکاف‌ها کاهش یافته، اما هنوز توافق حاصل نشده و اختلاف‌ها بر سر غنی‌سازی اورانیوم و تنگه هرمز پابرجاست. خبرنگار الجزیره در تهران نیز تأکید کرد که تمام اخبار منتشرشده درباره چارچوب توافق، فعلا در حد گمانه‌زنی است و مذاکرات همچنان از طریق میانجی پاکستانی ادامه دارد.

از این‌رو باید اذعان کرد که مسئله «ترتیب اقدامات» همچنان گره اصلی مذاکرات باقی مانده است. بنا بر گزارش الجزیره، واشینگتن می‌خواهد توقف درگیری‌ها با تعهدات هسته‌ای و منطقه‌ای ایران پیوند بخورد، اما تهران تأکید دارد ابتدا باید جنگ متوقف و فشارهای اقتصادی و دریایی کاهش یابد و سپس درباره سایر موضوعات گفت‌وگو شود. همین اختلاف، مذاکرات را وارد مرحله‌ای فرسایشی کرده است. در این میان، گزارش وال‌استریت ژورنال نشان داد که مواضع تهران نسبت به پیشنهادهای قبلی تقریبا بدون تغییر باقی مانده است. طبق این گزارش، ایران خواهان پایان جنگ، لغو تحریم‌ها، دریافت غرامت و داشتن نقشی در نظارت بر تنگه هرمز است و در مقابل، با تعطیلی یا توقف طولانی‌مدت برنامه هسته‌ای مخالفت می‌کند. دنیس راس، دیپلمات سابق آمریکایی نیز مدعی شد اگر توافق پنج‌ماده‌ای مطرح‌شده صحت داشته باشد، بیشتر به نفع ایران خواهد بود؛ زیرا تهران بدون ارائه امتیاز هسته‌ای مشخص، به آتش‌بس و لغو تدریجی تحریم‌ها دست پیدا می‌کند.

یکی از بحث‌برانگیزترین گزارش‌ها را رویترز منتشر کرد؛ گزارشی درباره «مکانیسم جدید ایران در تنگه هرمز» که مدعی بود تهران نوعی سیستم پلکانی برای عبور کشتی‌ها طراحی کرده و اولویت را به متحدانی همچون چین و روسیه می‌دهد. این گزارش بلافاصله با واکنش مقام‌های ایرانی مواجه شد. علی هاشم، خبرنگار الجزیره، به نقل از یک مقام ارشد ایرانی تأکید کرد که اخبار مربوط به دستور جدید درباره ذخایر اورانیوم یا تغییر سیاست تهران، «تبلیغات دشمنان توافق» است و هیچ فرمان تازه‌ای صادر نشده است. در همین حال، کامران یوسف، خبرنگار پاکستانی، تأکید کرد که اکنون بحث اصلی بر سر یک توافق موقت است؛ توافقی که اجازه می‌دهد جنگ پایان یابد اما مذاکرات بر سر موضوعات اختلافی ادامه پیدا کند. به گفته او، اصلی‌ترین اختلاف بر سر وضعیت تنگه هرمز است؛ زیرا آمریکا و متحدانش خواهان بازگشت شرایط این آبراه به وضعیت پیش از جنگ هستند، درحالی‌که ایران معتقد است ازدست‌دادن اهرم هرمز، قدرت چانه‌زنی تهران را کاهش می‌دهد. هم‌زمان تسنیم گزارش داد که ایران یک متن ۱۴بندی به آمریکایی‌ها ارائه کرده و واشینگتن نیز متن تازه‌ای را از طریق میانجی پاکستانی فرستاده است. براساس این روایت، هنوز هیچ چیز نهایی نشده و میانجی پاکستانی در تلاش برای نزدیک‌کردن دو متن به یکدیگر است. همین وضعیت باعث شده فضای مذاکرات بیش از آنکه وارد مرحله توافق قطعی شود، همچنان در وضعیت «چانه‌زنی فشرده، اما بی‌نتیجه نهایی» باقی بماند.

ترامپ میان توافق و جنگ؛ شکاف در کاخ سفید و اختلاف فزاینده با نتانیاهو

هم‌زمان با تشدید تحرکات میانجیگرانه پاکستان، فضای سیاسی واشینگتن نیز در روزهای گذشته صحنه جدال آشکار میان دو رویکرد متفاوت درباره ایران بود؛ رویکردی که یک سوی آن بر ادامه مسیر دیپلماسی و دستیابی به توافق موقت تأکید داشت و سوی دیگر همچنان گزینه فشار حداکثری و حتی اقدام نظامی را دنبال می‌کرد. مجموعه گزارش‌های منتشرشده از رسانه‌های آمریکایی، اسرائیلی و عربی نشان می‌دهد دونالد ترامپ در میانه این دو فشار، فعلا تصمیم گرفته فرصت بیشتری به مذاکرات بدهد، هرچند همچنان تهدید نظامی را کنار نگذاشته است. ترامپ چهارشنبه گذشته به صراحت اعلام کرد «چند روزی» منتظر پاسخ ایران می‌ماند و اگر با چند روز صبرکردن بتوان از جنگ جلوگیری کرد، این کار را انجام خواهد داد. او در عین حال هشدار داد که شرایط در نقطه حساسی قرار دارد و اگر پاسخ‌های درست دریافت نشود، «همه چیز خیلی سریع پیش خواهد رفت». این موضع‌گیری در واقع بازتاب همان شکاف داخلی در دولت آمریکا بود که اسرائیل‌هیوم طی گزارشی از آن پرده برداشت؛ گزارشی که مدعی شد در داخل کاخ سفید، جی‌دی ونس، استیو ویتکاف و جرد کوشنر بر دستیابی به یک توافق اولیه برای پایان جنگ تأکید دارند، درحالی‌که پیت هگست و مارکو روبیو خواهان افزایش فشار و حتی اقدام نظامی هستند.

طبق همین گزارش، ترامپ در نهایت تصمیم گرفت بار دیگر به مذاکرات فرصت دهد؛ اگرچه از تیم دیپلماتیک خود به دلیل آنچه «تعلل تهران» و آسیب به تصویر آمریکا توصیف کرده بود، انتقاد کرد. همین اختلافات داخلی در واشینگتن، یکی از عوامل مهم ابهام در روند مذاکرات تلقی می‌شود؛ چراکه هر جناح تلاش می‌کند مسیر سیاست آمریکا را به سمت مطلوب خود سوق دهد. در این میان، اختلافات ترامپ و بنیامین نتانیاهو نیز بیش از گذشته علنی شده است. اکسیوس گزارش داد که ترامپ و نتانیاهو در تماسی طولانی و دشوار درباره تلاش تازه برای توافق با ایران گفت‌وگو کرده‌اند و به گفته منابع مطلع، نخست‌وزیر اسرائیل پس از این تماس «بسیار عصبانی» بوده است. کانال ۱۲ اسرائیل نیز این تماس را «پرحرارت» توصیف کرد و مدعی شد نتانیاهو بیش از گذشته به گزینه حمله اعتقاد دارد، درحالی‌که ترامپ ترجیح می‌دهد همه مسیرهای دیپلماتیک را پیش از جنگ آزمایش کند. این اختلاف نظر در روایت‌های رسمی نیز بازتاب یافت. ترامپ در پاسخ به سؤال خبرنگاران درباره نتانیاهو گفت «او هر کاری من بخواهم انجام می‌دهد» و افزود که «در مورد ایران عجله‌ای ندارد و نمی‌خواهد افراد بیشتری کشته شوند». اما هم‌زمان رسانه‌های اسرائیلی گزارش دادند که حلقه نزدیک به نتانیاهو نگران است واشینگتن به سمت توافقی حرکت کند که از نگاه تل‌آویو، امتیازات گسترده‌ای به ایران می‌دهد.

در سوی دیگر، کشورهای عربی منطقه نیز تلاش کردند ترامپ را از بازگشت فوری به جنگ منصرف کنند. کانال ۱۲ اسرائیل مدعی شد رهبران عربستان، قطر و امارات طی تماس‌هایی به ترامپ هشدار داده‌اند که حمله به ایران می‌تواند کل منطقه را وارد بحران کند و ایران احتمالا به منافع آنان حمله خواهد کرد. میدل‌ایست‌آی نیز نوشت که ترامپ حمله برنامه‌ریزی‌شده به ایران را به تعویق انداخت؛ زیرا مقام‌های عرب و حتی برخی اعضای دولت خودش هشدار داده بودند که ازسرگیری جنگ در ایام حج، جایگاه آمریکا در جهان اسلام را بیش از پیش تخریب خواهد کرد. در همین حال، ترامپ در سخنان تازه خود ضمن مخالفت با هرگونه «عوارض‌گیری» در تنگه هرمز، ادعا کرد ایران نمی‌تواند اورانیوم با غنای بالا را حفظ کند و آمریکا در نهایت آن را از بین خواهد برد. مارکو روبیو نیز ضمن تأکید بر پیشرفت مذاکرات گفت مقامات پاکستانی راهی تهران خواهند شد و نشانه‌های مثبتی وجود دارد، اما هم‌زمان هشدار داد که سیستم عوارض‌گیری در هرمز، توافق دیپلماتیک را غیرممکن می‌کند. مجموع این تحولات حکایت از آن دارد که واشینگتن هنوز میان دو مسیر توافق و تقابل سرگردان است. اگرچه فعلا دیپلماسی دست بالا را پیدا کرده، اما اختلافات داخلی در کاخ سفید، فشار اسرائیل و پیچیدگی‌های میدانی منطقه همچنان می‌تواند هر لحظه مسیر تحولات را تغییر دهد.

تهران؛ تأکید بر دیپلماسی، بی‌اعتمادی به واشینگتن و هشدار درباره جنگ رسانه‌ای

در تهران نیز طی سه روز گذشته، اگرچه مقام‌های رسمی از ورود مستقیم به جزئیات مذاکرات خودداری کردند، اما مجموعه مواضع سیاسی و رسانه‌ای نشان داد که جمهوری اسلامی همچنان با احتیاط و بی‌اعتمادی به روند میانجیگری‌ها نگاه می‌کند. درحالی‌که رسانه‌های خارجی از نزدیک‌شدن توافق سخن می‌گفتند، مقام‌های کشورمان ترجیح دادند از تأیید رسمی روایت‌های منتشرشده فاصله بگیرند و بیشتر بر اصول کلی سیاست خارجی و ضرورت پرهیز از جنگ تأکید کنند.

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، در موضع‌گیری مهم خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که ایران همواره به تعهداتش پایبند بوده و همه راه‌های پرهیز از جنگ را آزموده است. او تأکید کرد «به تسلیم واداشتن ایران از طریق زور، توهمی بیش نیست» و دیپلماسی مبتنی بر احترام متقابل، کم‌هزینه‌تر و پایدارتر از جنگ خواهد بود. این موضع در واقع بازتاب همان نگاه محتاطانه تهران بود؛ نگاهی که از یک سو در را به روی مذاکره نبسته و از سوی دیگر همچنان نسبت به نیت واقعی واشینگتن تردید دارد. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس نیز در موضعی با اشاره به خاطرات جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، وضعیت کنونی را تکرار «گیرافتادن آمریکا در جنگی که نمی‌تواند ببرد» توصیف کرد. قالیباف با حمله به حلقه‌های نزدیک به کاخ سفید و لابی‌های جنگ‌طلب آمریکایی، هشدار داد که طبقات فرودست آمریکا بار دیگر باید هزینه جنگ‌افروزی الیگارش‌های سیاسی و اقتصادی را بپردازند. این اظهارات نشان داد بخشی از ساختار سیاسی ایران همچنان نگاه بدبینانه‌ای به تحرکات واشینگتن دارد و احتمال بازگشت آمریکا به گزینه نظامی را منتفی نمی‌داند.

در سطح دیپلماتیک نیز تهران تلاش کرد ضمن حفظ ابهام، روایت‌های رسانه‌ای را کنترل کند. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه، ضمن اشاره به احتمال حضور عباس عراقچی در نشست شورای امنیت سازمان ملل، تصریح کرد که هنوز شرکت وزیر خارجه در این نشست قطعی نشده است. او در عین حال هشدار داد که باید مراقب «اخبار و تصاویر فیک» بود و تحلیل‌ها نباید بر مبنای اطلاعات غیررسمی شکل بگیرد؛ موضعی که به‌طور غیرمستقیم به موج گزارش‌های منتشرشده از سوی رسانه‌های عربی و غربی اشاره داشت. در همین چارچوب، برخی رسانه‌های نزدیک به جریان مذاکرات نیز تلاش کردند تصویری کنترل‌شده‌تر از وضعیت ارائه دهند. ایسنا هم گزارش داد که گفت‌وگوها در تهران بر سر چارچوب کلان، جزئیات و اقدامات اعتمادساز ادامه دارد و متن‌های ردوبدل‌شده تا حدی شکاف‌ها را کاهش داده‌اند، اما موفقیت نهایی نیازمند پایان‌یافتن «وسوسه جنگ» در واشینگتن است. همین گزارش مدعی شد که ورود عاصم منیر به تهران نیز در راستای کاهش همین شکاف‌هاست. در کنار اینها، مقام‌های ایرانی نسبت به برخی گزارش‌های خارجی واکنش غیرمستقیم نشان دادند. پس از انتشار گزارش‌هایی درباره احتمال انتقال ذخایر اورانیوم ایران یا تغییر سیاست تهران در قبال غنی‌سازی، یک مقام ارشد ایرانی به علی هاشم، خبرنگار الجزیره گفت این ادعاها «تبلیغات دشمنان توافق» است و هیچ فرمان تازه‌ای صادر نشده است. او تأکید کرد که موضع تهران تغییری نکرده و ایران خود در مراحل بعدی درباره نحوه مدیریت مواد غنی‌شده تصمیم خواهد گرفت. هم‌زمان، نگاه بدبینانه تهران به تضمین‌های آمریکا همچنان پابرجاست. برخی منابع تأکید کردند که ایران معتقد است واشینگتن هنوز تضمین کافی درباره عدم بازگشت به جنگ ارائه نکرده و همین مسئله یکی از مهم‌ترین عوامل کندی روند مذاکرات است. در واقع، اگرچه تهران از مسیر دیپلماسی استقبال می‌کند، اما تجربه ماه‌های گذشته باعث شده مقام‌های ایرانی نسبت به هرگونه توافق بدون تضمین‌های عملی، با احتیاط کامل برخورد کنند. در نهایت، اگرچه آتش‌بس وارد روز چهل‌وششم شده و فضای رسانه‌ای از امید به تفاهم سخن می‌گوید، اما واقعیت این است که هنوز هیچ نشانه قطعی از نهایی‌شدن توافق وجود ندارد. اختلافات درون کاخ سفید، فشارهای اسرائیل، نگرانی کشورهای عربی، پیچیدگی پرونده هسته‌ای و مسئله تنگه هرمز، همگی عواملی هستند که می‌توانند مسیر دیپلماسی را هر لحظه تغییر دهند. از همین رو، آنچه اکنون جریان دارد بیش از آنکه «توافق نهایی» باشد، مرحله‌ای از آزمون متقابل، سنجش میزان انعطاف طرفین و تلاش برای مدیریت بحران است؛ روندی که هنوز سرنوشت روشنی ندارد. اکنون باید دید هم‌زمانی حضور واسطه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در تهران، از پاکستان تا قطر، نشانه ورود مذاکرات ایران و آمریکا به پیچ آخر برای دستیابی به یک تفاهم اولیه است یا صرفا آغاز مرحله‌ای تازه از چانه‌زنی‌های فرسایشی و آزمون متقابل طرفین؛ مرحله‌ای که هنوز می‌تواند میان دیپلماسی، بی‌اعتمادی و سایه بازگشت بحران در نوسان باقی بماند.

هم‌زمان با سفر عاصم منیر به تهران، خبرها از اعزام یک تیم مذاکره‌کننده قطری با هماهنگی آمریکا به ایران حکایت دارد. تحرکی که نشان می‌دهد علاوه بر پاکستان، دوحه نیز به‌طور فعال وارد مدیریت کانال‌های ارتباطی میان تهران و واشینگتن شده است. در کنار این تحولات، دو سفر متوالی سیدمحسن نقوی، وزیر کشور پاکستان به تهران طی یک هفته گذشته، بیش از پیش این برداشت را تقویت کرد که اسلام‌آباد در حال ایفای نقشی فراتر از یک میانجی سنتی است و اکنون با ورود مستقیم فرمانده ارتش پاکستان، میانجیگری این کشور ابعاد امنیتی و راهبردی پیدا کرده است